

مقدمه :

"واگر تو نمیتوانی با عشق کار کنی و تنها احسانت به کار، بی میلی و تنفر است، بهتر است کارت را ترک کنی و بر در معبد بنشین و از آنهایی که با شادی کاری کنند صدقه بگیری، زیرا اگر با بی تفاوتی نان پیزی، نان تلخی خواهی پخت که تنها نیمی از گرسنگی انسان را سیر می کند." خلیل جبران

انسان از زمان پیدایش دارای نیازهای گوناگونی بوده است و برای ادامه حیات این نیازها را برآورده نموده است. نیاز به غذا، پوشاک، سرپناه، آرامش، امنیت و... انسان با بکار انداختن قابلیت های جسمی و فکری خود موفق شده است این نیازها را برطرف سازد چون طبیعت همه چیز را آماده در اختیار وی قرار نداده، از آغاز مجبور به کار و تولید بوده است یعنی زندگی انسان با کار و فعالیت آغاز شده، ادامه یافته و ادامه خواهد یافت و این کار و کوشش از آغاز تا کنون رمز بقا و وی بوده است. انسان با

کار خود طبیعت را تغییر داده و در جریان این تغییر، خود نیز دچار تغییر شده است. سازمان دادن تغییراتی که در فرآیند کار برای انسانی حاصل می شود قادر است بر قدرت سازندگی و بهره وری انسان بیفزاید و در عین مرتفع ساختن نیازهای جامعه خلاقیت های انسانها نیز شکوفا گردد.

هر چند انسانها از آغاز حیات جمعی خود به تفکر درباره زندگی پرداخته اند و متفکرین اجتماعی درباره مسائل مختلف زندگی جمعی اظهار نظرهایی نموده اند، معهذا از عمر جامعه شناسی بعنوان یک علم مستقل بیش از نیم قرن نمی گذرد. جامعه شناسی از زمانی به عنوان یک علم مستقل مطرح شد که روش شناسی خاصی را برای گردآوری اطلاعات، آزمون داده ها و کنترل فرآیند تحقیق شناخت. تأکید بر روشهای علمی و عینی همراه با بی طرفی ارزشی، جامعه شناسی را از تفکر اجتماعی متمایز نمود. امروزه جامعه شناسی یکی از شاخه های علوم اجتماعی است که به مطالعه

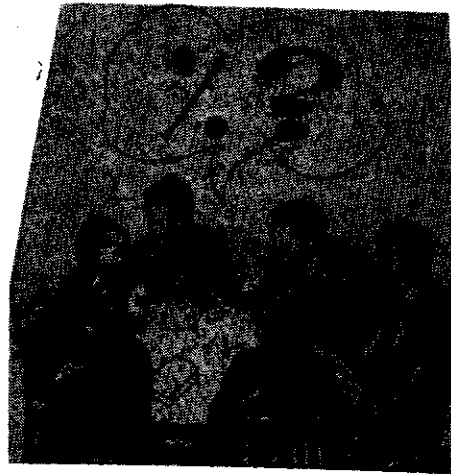
پدیده های اجتماعی در جامعه متحول و پیچیده کنونی می پردازد. پدیده های اجتماعی به قول "دو ورژ" جامعه شناس فرانسوی پدیده هایی هستند که دارای چهار ویژگی جمعی بودن، عینی بودن، عمومی بودن و اثباتی بودن هستند.

جامعه شناسی بعنوان یک رهیافت، دید خاصی نسبت به مشکلات دارد. این شاخه علمی با تأکید بر جنبه اجتماعی پدیده های انسانی معتقد است که این جنبه اجتماعی قابل تقلیل به جنبه های زیست شناختی، روان شناختی، بوم شناختی و... نمیباشد. به همین دلیل رهیافت پدیده کار با تحول صنعت و تأثیر جهانی آن در قرون اخیر اهمیت بیشتر یافته است و توسعه صنعت زمینه های جدیدی را در مقابل پژوهشگران جامعه شناس گشوده است. جامعه شناسی صنعتی همراه با جامعه شناسی کار به بررسی نهاد صنعت در جامعه، کنشهای متقابل اجتماعی در محیط کار و همچنین بین جامعه و محیط کار پرداخته است. هدف اصلی شاخه های مختلف

● نوشته: مسعود حاجی زاده میمندی

انسانی با جامعه شناسی کار

پرتال جامع علوم انسانی



● **جامعه از طریق نهادهای خود نظیر خانواده، مدرسه، سازمانهای اداری، نهادهای اقتصادی و غیره بر محیط کار تأثیر می گذارد.**

● **کار در اسلام دارای دستاوردهای مختلفی نظیر ترقی و پیشرفت معنوی و مادی یک ملت است.**

گمان مارکسیستها دگرگونی در شرایط دماغی انسان در اثر به حرکت درآوردن و استفاده از دستها پیش آمده است. کار که میتواند عامل سازنده باشد، در جوامع طبقاتی وسیله تخریب شخصیت کارگر می شود.

● **ت - دیدگاه اسلام نسبت به کار**

دین مبین اسلام برای کار اهمیت زیادی قائل است، ولی آنچه بیش از نفس کار اهمیت دارد، نیت فرد در انجام کار است. غالباً در قرآن بعد از ذکر ایمان به خدا، از عمل صالح یاد شده و عمل صالح به عملی گفته می شود که برای رضای خدا و به قصد قربت به حضرت حق انجام گیرد. اینکه پیامبر اسلام (ص) "دست کارگر را می بوسد" محبوبترین مال را مال بدست آمده از طریق کار پدید می داند" و ائمه معصوم (ع) و سایر پیشوایان گرامی به صورتهای مختلف بر اهمیت کار تأکید می ورزند و اینکه در قرآن رباخواری، قماربازی و استفاده از آلات لهو و لعب اکیداً تحریم گشته، دلیل محکمی بر ارزش کار و تلاش در اسلام است، ولی از آنجا که خداوند اعمال را تنها از متقین می پذیرد، بر نیت خدایی در انجام کار تأکید شده است. "کار در اسلام دارای دستاوردهای مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱- کار موجب سعادت در آخرت است.
 - ۲- کار موجب رشد و شکوفایی انسانی است.
 - ۳- کار فردی یا جمعی در نهایت موجب ترقی و پیشرفت معنوی و مادی یک ملت است.
- استاد مطهری درباره اصالت کار از دیدگاه اسلام چنین می نویسد:
- "اصالت کار در سازندگی آن نهفته است. شرافت انسان به دانش، ایمان، عزت و کرامت نفس اوست و کار از آن جهت مایه شرافت است که وسیله ای برای تأمین این کرامتها و شرافتهاست و انسان هم سازنده کار است و هم ساخته شده کار.

جامعه شناسی شناخت علمی پدیده ها جهت برنامه ریزی برای کنترل پدیده ها و تخفیف مشکلات می باشد.

زادگاه جامعه شناسی کار همانند بقیه شاخه های جامعه شناسی کشورهای غربی می باشد، ولی موضوع مورد مطالعه اش برخاسته از عوارض گسترش صنعت در اقصی نقاط عالم است.

"توسعه صنعت برخلاف اعتقاد جاری، خاص جوامع اروپای غربی و آمریکای شمالی نیست، بلکه درحقیقت صنعت گرایی جنبشی است که با آهنگی سریع و متوالی در تمام جهان و در همه کشورها صرف نظر از ساخت اقتصادی و اجتماعی آنها رواج پیدا می کند. به همین دلیل است که ریشه توسعه نیافتگی یا عقب ماندگی را بایستی در تأخیری که از نظر توسعه صنعت در برخی کشورها وجود دارد، جستجو نمود.

هدف از این مقاله آشنایی با جامعه شناسی کار و موضوعاتی است که این شاخه علمی به آن می پردازد. باشد که با استعانت از یافته های علمی و برنامه ریزی براساس آن مشکلات اجتماعی جامعه کاستی پذیرفته و راه برای بروز خلاقیتها و افزایش کارایی هموار گردد. **والله المستعان.**

۱- وجهه نظرهای متفاوت نسبت به کار

● **الف - وجهه نظری که کار را فی نفسه مثبت ارزیابی می کند.**

یکدسته از نظریات کار را فی نفسه مثبت ارزیابی می کنند و معتقدند که کار برای کارگر شادای آور است و باعث رضایت وی میشود. چون کار را ذاتاً و ماهیتاً سازنده می دانند. در این دیدگاه کار عامل رشد و تعالی و شکوفایی خلاقیتها قلمداد می گردد. هرچند در برابر کار پاداش مادی مثل حقوق و دستمزد هم دریافت می شود، ولی کار صرف نظر از حقوق و دستمزد دارای ارزش است. در اینجا هدف "دانه" (کار) است، ولی در کنار آن کشاورز کوشا، "کاه" (حقوق و دستمزد) هم به دست می آورد. نظر خلیل جبران که در آغاز مقاله آمده است، از این دسته می باشد.

پروستنانهای قرون ۱۶ و ۱۷ انگلیس تحت تأثیر تعلیمات "کالون" کار را فضیلت و بیکاری را گناه می دانستند. براساس تبیین "ماکس وبر" جامعه شناس آلمانی از پیدایش سرمایه داری غرب، آیین کالون و تعالیم پروتستان که کار را عبادت و وسیله آموزش گناهان و شرط رستگاری در آخرت قرار می داد، در یک تلفیق منحصر به فرد با شرایط عینی برخی از کشورهای اروپایی،

سرمایه داری غربی به شکل کنونی آنرا به وجود آورد. البته نطفه های پیدایش سرمایه داری در کشورهای دیگر نظیر چین از قدیم وجود داشته است، ولی تنها در برهه ای خاص در برخی از کشورهای اروپایی عوامل ذهنی (اخلاق پروتستانی) با عوامل عینی (روحیه سرمایه داری) رابطه ای از نوع تطابق و هماهنگی یافت و سرمایه داری را بوجود آورد. "ماکس وبر" اخلاق پروتستانی را علت پیدایش سرمایه داری نمیداند و می توان گفت آنچه مقصود وی می باشد نه یک رابطه علی، بلکه یک تقرب انتخابی است. یعنی عواملی از جهان ذهنی با عواملی از جهان عینی همدیگر را انتخاب نموده و با هم جور شده اند.

● **ب - وجهه نظری که کار را فی نفسه منفی ارزیابی می کند.**

دسته دیگر، نظریات کار را فی نفسه منفی ارزیابی می نمایند و براین باورند که انسان ذاتاً و ماهیتاً راحت طلب، تن آسا و از کار بیزار است و به انحاء مختلف کوشش می کند که از کار شانه خالی کند. تنها اجبار انسان را به کار وامی دارد. اگر اجباری در میان نباشد، انسان دوست دارد که کار نکند و بقیه عمر را به عیش و نوش و استراحت و کسب لذت بپردازد.

اسقف "ریچارد کمبرلند" می گفت: "وقت گرانبهاست، چرا آن را برای کار کردن هدر دهیم."

● **وجهه نظر مارکسیستها نسبت به کار**

"کارل مارکس" فیلسوف و جامعه شناس آلمانی کار را عامل سازندگی انسان می داند و انسانیت وی را مدیون کار ارزیابی می کند. "انگلس" معتقد است که کار انسان را انسان کرد. مارکسیستها از بین همه صفات نسبت داده شده به انسان مثل اندیشه ورز بودن، سیاسی بودن، اجتماعی بودن، کار ورز و ابزار ساز بودن، تنها برصفت ابزار ساز بودن انسان تأکید می کنند. به

۲- تعریف کار از دیدگاه‌های مختلف

در اینجا مقصود از کار، کار انسانی است، چون حیوانات نیز به کار و کارگروهی می‌پردازند. ملاک تمایز کار انسانی از کار سایر جانداران، آگاهانه بودن کار انسانی است. "کار انسانی کنشی است آگاهانه برای تأمین نیازهای مادی و معنوی که متقابلاً انسان تحت تأثیر فرآیندهای کار قرار می‌گیرد و ممکن است به موجودی متحول، خلاق و نوآور مبدل گردد.

خصوصیت دیگر کار انسان مفید بودن آن است با توجه به این ویژگی اقتصاددانان لیبرال کار را چنین تعریف می‌کنند: "کار عبارتست از استفاده‌ای که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات مینماید. خاصیت تولیدی بودن نیز در تعریف کار از دیدگاه برخی اقتصاددانان دارای اهمیت است. "لود ویک. اچ. مای" اقتصاددان آمریکایی کار را با توجه به ویژگی تولیدی آن چنین تعریف می‌کند: "هرگونه تلاش انسانی خواه تلاش ذهنی، جسمی و معنوی که به تولید کالاهای اقتصادی منتهی شود، کار نامیده می‌شود."

به عقیده "کارل مارکس" کار عملی است که بین انسان و طبیعت به وقوع می‌پیوندد. وی در این زمینه در کتاب "سرمایه" مینویسد: "کار نخستین برخورد بین انسان و طبیعت است. انسان در برابر طبیعت نقش یک قدرت طبیعی را

● ملاک تمایز کار انسانی از کار سایر جانداران، آگاهانه بودن کار انسانی است.

ایفا می‌کند. او قدرت جسمانی خود یعنی قدرتی که در بازوها، پاها و سر و دست خود دارد، به حرکت وامی‌دارد تا مواد را به شکلی در آورد که برای زندگی‌اش مفید باشد و بدین ترتیب آنها را جزء وجود خویش می‌گرداند. در همان حال که انسان با این حرکت بر طبیعت خارجی اثر می‌گذارد و آنرا تغییر می‌دهد، طبیعت خاص خویش را نیز تغییر می‌دهد و استعدادهای خفته‌اش را رشد می‌بخشد."

با توجه به ویژگی‌های مختلف کار و تعاریف متعدد نسبت به کار، شاید تعریف زیر را بتوان جامع‌تر دانست.

"کار عبارتست از مجموعه عملیاتی که انسان به کمک مغز و دستها و ابزار و ماشین‌آلات به منظور استفاده عملی بر روی ماده انجام

میدهد و این اعمال نیز به نوبه خود بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد."

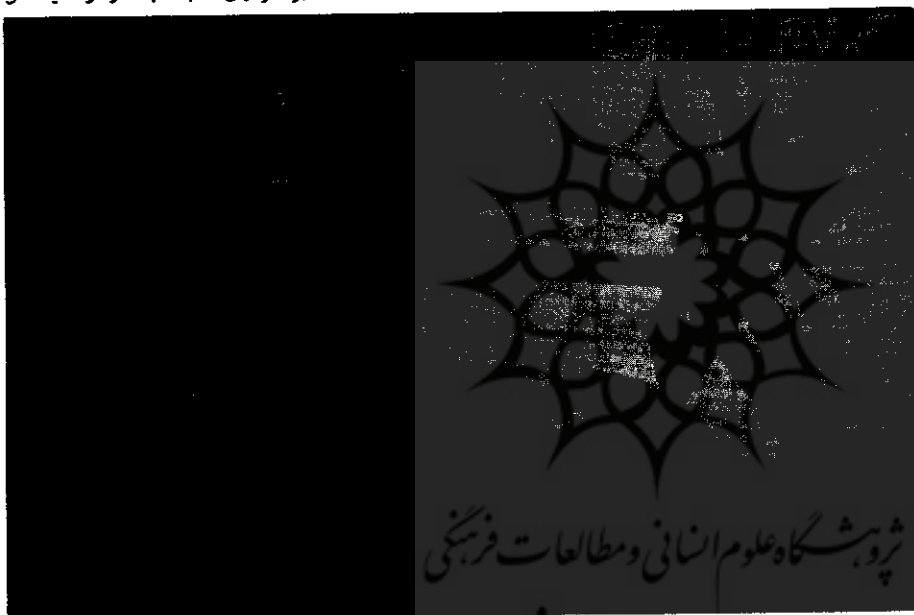
۳- جنبه‌های مختلف کار

کار پدیده‌ای است که از زاویه‌های مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و همین پیچیدگی و چند بعدی بودن آن را موضوع شاخه‌های مختلف علم قرار داده است. کار پدیده‌ای اجتماعی و تام است، ولی با وجود تام بودن می‌توان جنبه‌های مختلف آن را مورد کاوش و بررسی قرار داد تا با روشن ساختن مشکلات، بر پویایی، سازندگی، رشد و تعالی کار افزوده شود.

● الف - جنبه فنی: کار معمولاً با ابزار انجام می‌گیرد و به همین دلیل توجه به جنبه تکنیکی کار، از اهمیت به سزایی برخوردار است. تحولات

معمولاً کاری را برمی‌گزینند که با ویژگیهای جسمانی‌اش سازگار باشد تا بتواند با راحتی بیشتر آن را انجام دهد. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که شرایط محیطی بر بازده کارگر تأثیر فراوان دارد و اگر شرایط از حدی معین پایین‌تر باشد، ممکن است باعث بروز حوادثی در حین کار یا بعد از آن شود. هدف از بررسی این جنبه ارائه رهنمودهایی است تا با یافتن همبستگی‌ها بین عوامل مختلف، بر کارایی افزوده شود.

ج - جنبه روانی کار: تفاوت کار انسان از حیوان بُعد ارزشی و آگاهانه بودن آن است. انسان کار خود را معمولاً بر اساس انگیزه انجام می‌دهد و هنگامی از کار خود احساس رضایت می‌کند که بین انگیزه‌ها، اهداف و کاری که به آن می‌پردازد، هماهنگی وجود داشته باشد. ارزشهایی که کارگر بدان معتقد است، بر نظر وی نسبت به کار، رضایت او



از عوامل درونی و بیرونی محیط کار و همچنین بر محیط و نتیجه کار وی تأثیر می‌گذارد.

● د - جنبه اجتماعی کار
کارگر در محیط کار با همکارانش ارتباط متقابل دارد که بر هر دو طرف تأثیر می‌گذارد. از یک طرف باید به کنشهای متقابلی که بین کارگر و سایر همکارانش بوقوع می‌پیوندد، توجه داشت و از طرف دیگر محیط کار را جزئی از یک ساختار اقتصادی اجتماعی در نظر گرفت. جامعه از طریق نهادهای خود نظیر خانواده، مدرسه، سازمانهای اداری، نهادهای اقتصادی و غیره بر محیط کار تأثیر می‌گذارد. رویکرد جامعه‌شناسی بر این باور است که جنبه اجتماعی پدیده‌ها را تنها با مراجعه به ساختار اقتصادی و اجتماعی کل

تکنولوژیکی بر پیچیدگی پدیده کار افزوده است و استفاده از پدیده "اتوماسیون"، اثرات اقتصادی و اجتماعی برجای گذارده است، هرچند تأثیرات ناشی از استفاده از تکنولوژی بسیار پیشرفته در حال حاضر کمتر مشکل کشورهای در حال توسعه است، ولی در حال از جنبه فنی کار باید به ابزار، قدرت محرکه ابزار، طرز تعبیه ابزار، رابطه با ابزارهای مجاور، سیستم تغذیه ابزار و... توجه کرد.

● ب - جنبه فیزیولوژیکی کار
در این جنبه از تناسب بین ویژگی‌های جسمانی کارگر و شرایط کار سخن به میان می‌آید. شرایط کار شامل عوامل مختلف از قبیل: نور، سروصدا، رنگها، رطوبت و... است. کارگر

جامعه میتوان تبیین کرد و مشکلات اجتماعی، راه حل فردی ندارد.

۴- تاریخچه جامعه‌شناسی کار:

همراه با انقلاب صنعتی و دگرگونیهای تکنولوژیکی و تنشهای مختلفی که در اثر انقلاب صنعتی پیش آمد، مطالعات جامعه‌شناختی نیز شتاب بیشتری یافت و رشد صنعت، را در نیمه دوم قرن بیستم باعث شد.

در سال ۱۹۸۵ موسسات مطالعاتی و تحقیقاتی فرانسه به انتشار نشریاتی پیرامون جامعه‌شناسی کار پرداختند.

"رژر مزیدمن" در کتاب خود با عنوان "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کار" که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد، بیشتر به ابعاد صنعتی کار توجه کرد. در سالهای اخیر جامعه‌شناسی صنعتی

● جامعه‌شناسی کار پدیده‌های

اجتماعی مختلف را که در فرآیند

کنش متقابل بین گروه کار و جامعه

تأثیر می‌گذارد مورد بررسی قرار

می‌دهد.

و جامعه‌شناسی کار به واحدهای درسی دانشگاهی اضافه شده است. با این همه دو منبع مشهور یکی به فرانسه و دیگری به انگلیسی، مأخذ اصلی همه کسانی بوده است که مطالبی در زمینه جامعه‌شناسی کار ارائه کرده‌اند.

اهمیت صنعت در جهان کنونی باعث شده است که همیشه جامعه‌شناسی صنعتی مهمترین حوزه جامعه‌شناسی کار قلمداد شود، زیرا کار کشاورزی و خدمات این چنین مورد توجه نبوده‌اند و البته لازم به ذکر است که مطالعات درباره تقسیم کار توسط افرادی چون "آدام اسمیت" و "امیل دورکیم" انجام پذیرفت. مطالعاتی که در پیرامون حقوق کارگر و کارفرما صورت گرفت و مطالعات پیرامون گروههای کار و بوروکراسی و مطالعات روانشناسان در زمینه سنجش استعدادها و شغلی افراد، مطالعات پیرامون طبقات و قشربندیهای اجتماعی همگی هموارکننده راه پیدایش جامعه‌شناسی کار بوده‌اند.

۵- قلمرو جامعه‌شناسی کار:

جامعه‌شناسی کار به یک معنا مطالعه جنبه‌های مختلف گروه کار است. "گروه کار"،

گروهی است که در موقعیتهای خاصی به مناسبت کار مشترک گرد هم می‌آیند. "این گروه میتواند یک واحد صنعتی، یک کشتی بزرگ اقیانوس پیما، یک کشتی ماهیگیری، یک واحد بزرگ بهره‌برداری زراعی یا حتی یک مزرعه کوچک که چند نفر کارگر با صاحب مزرعه همکاری دارند و بالاخره یک مغازه بزرگ یا فروشگاه مرکزی و یا یک مغازه که چند نفر فروشنده استخدام کرده است یا کارگاه صنعتی کوچک و... باشد."

جامعه‌شناسی کار پدیده‌های اجتماعی مختلف را که در فرآیند کنش متقابل بین "گروه کار" و جامعه تأثیر می‌گذارد، مورد بررسی قرار می‌دهد و تمامی موضوع‌هایی که بر جنبه اجتماعی کار تأکید می‌ورزد در این قلمرو می‌گنجد.

۶- نگاهی عمیق تر به از خود بیگانگی در کار

کار انتخاب شده اگر با ویژگی‌های روحی و جسمی فرد سازگار نباشد، برای فرد اثرات منفی خواهد داشت. در این حالت فرد کار را از خود تلقی نمی‌کند و برای کار دل نمی‌سوزاند و کار برای وی امری خارجی است. کاری که فرد امکان مشارکت در تصمیم‌گیری پیرامون آن را نداشته باشد، باعث می‌شود که نتواند استعدادهای و قابلیت‌های خود را شکوفا سازد و از خود واقعی و انسانی که دارای کرامت و شرافت است، دور می‌ماند. به همین دلیل این نوع کار، کار از خود بیگانه کننده نامیده می‌شود. چون بجای آن که شکوفاکننده نیروهای بالقوه انسانی باشد، وی را تا سطح یک حیوان تنزل می‌دهد. برای اینکه کار باعث از خود بیگانگی نشود باید از جنبه‌های فنی، فیزیولوژیک، روانشناسی و اجتماعی و شرایط مساعدی برخوردار باشد.

درباره مفهوم از خود بیگانگی در کار نظرات مختلف ابراز شده است که در اینجا به دو دیدگاه که مشهور تر است اشاره می‌شود. دیدگاه اول از "کارل مارکس" آلمانی است.

وی معتقد است در کار از خود بیگانه کننده... کارگر خودش را اثبات و اظهار نمی‌کند، بلکه خودش را انکار می‌کند... انرژی ذهنی و جسمی‌اش را آزادانه رشد نمی‌دهد، بلکه جسم و ذهنش را تباه و فاسد می‌سازد. کار اواختاری نیست، بلکه اجباری است و هرگز برخاسته از یک نیاز درونی نیست که در وی ایجاد رضایت نماید، بلکه صرفاً وسیله است جهت ارضای نیازهایش."

"مارکس" در مجموع چهار نوع از خودبیگانگی که کارگر در نظام سرمایه‌داری با آن مواجه است را برمی‌شمارد:

۱- بیگانگی از محصول کار

۲- بیگانگی از فرآیند کار

۳- بیگانگی کارگر از خودش

۴- بیگانگی کارگر از دیگران

"سِیمن" (Seeman) جامعه‌شناس

آمریکایی مفهوم از خود بیگانگی را در معنای وسیع تری مطرح می‌سازد، این مفهوم وی قابلیت آزمون پذیری بیشتری از دیدگاههای جامعه‌شناسی دارد وی شکلهای مختلف از خود بیگانگی را شامل ۵ مورد زیر می‌داند:

۱- بی قدرتی (Powerlessness)

حالتی است که فرد انتظاراتی دارد، ولی احتمال می‌دهد که نتواند به انتظارات و اهدافش

برسد.

۲- بی هنجاری (Normlessness)

هنگامی است که هنجارهای تعیین کننده رفتار، کارایی خود را از دست داده‌اند.

۳- بی مفهوم بودن (Meaninglessness)

فرد قادر به یافتن معنایی برای عملی که

انجام می‌دهد، نیست و بدین خاطر پیش‌بینی

نتایج آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۴- انزوا (Isolation)

در مفهوم جدایی از جامعه است و موقعی

پیش می‌آید که فرد ارزش چندانی برای ارزشهای

جامعه قائل نیست.

۵ - بی‌بزاری از خویش

(Self-estrangement)

در این حالت برای فرد امور بی‌ارزش است

و توجهی به شخصیت، مایملک و استعدادهای

خود ندارد.

۷- روش تحقیق در جامعه‌شناسی

کار:

جامعه‌شناسی کار یکی از شاخه‌های

جامعه‌شناسی است و از همان تکنیک‌ها و روشها

و قواعدی که در سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی

استفاده می‌شود، میتوان در گردآوری اطلاعات

و آزمون داده‌ها بهره گرفت.

مثلاً در بررسی علل اجتماعی حوادث ناشی

از کار که یک موضوع تحقیق در زمینه

جامعه‌شناسی کار است، از فنون پرسشنامه،

مصاحبه و مراجعه به اسناد میتوان استفاده کرد.

در هر حال در هر تحقیق جامعه‌شناسی برعینی

بودن، علمی بودن، بی‌طرف بودن و تکیه

بر روشهای مطمئن گردآوری اطلاعات و آزمون

داده‌ها تأکید می‌شود.